

Conceptual Analysis of Identity-Forming Components of the Iranian House Across Landscape and Urban Scales: A Framework for Its Reinterpretation in Contemporary Housing

Sima Abedi^{1*}, Neda Ziabakhsh²

- 1- PhD in Architecture, Department of Architecture, Faculty of Technology and Engineering, Islamic Azad University North Tehran Branch, Tehran, Iran.
- 2- Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Technology and Engineering, Islamic Azad University North Tehran Branch, Tehran, Iran.

* si.abedi2001@gmail.com

Date of submission: 2025/10/30 Revision: 2026/01/27 Acceptance: 2025/02/26

Abstract

In response to the growing loss of identity in contemporary housing in Iran, this paper conducts a comparative conceptual analysis of the notions of dwelling and home within theoretical literature, the perspectives of influential thinkers, and the key components of the traditional Iranian house. The study aims to develop a conceptual framework for reinterpreting the spiritual and identity-bearing principles of the traditional house in contemporary urban housing design in Iran. Using an analytical-descriptive approach and qualitative content analysis of existing texts—including Islamic sources, Eastern and Western philosophical perspectives, and characteristics of traditional Iranian architecture—this research identifies the essential meanings of dwelling and home and extracts the principal identity-forming components of the traditional house. By comparing these components with conditions in contemporary housing, the paper proposes a theoretical framework for integrating these principles into modern design. The proposed framework emphasizes establishing meaningful relationships between residents and their environment and offers design strategies that can strengthen cultural continuity, sense of belonging, and sustainability in contemporary housing.

Keywords: house, dwelling, housing, culture, identity, traditional Iranian architecture, contemporary housing, conceptual framework

تحلیل مفهومی مؤلفه‌های هویت‌بخش خانه ایرانی در گستره منظر و شهر: ارائه چارچوبی برای بازتفسیر آن در مسکن معاصر

سیما عابدی^{۱*}، ندا ضیاءبخش^۲

۱- دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

۲- استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.

* si.abedi2001@gmail.com

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۷

بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

چکیده:

این مقاله، در واکنش به چالش هویت‌زدایی مسکن معاصر در ایران، به تحلیل تطبیقی مفاهیم خانه و مسکن در ادبیات نظری، دیدگاه متفکران و مؤلفه‌های کلیدی خانه سنتی ایرانی می‌پردازد. هدف پژوهش، ارائه یک چارچوب مفهومی برای بازتفسیر اصول معنوی و هویتی خانه سنتی در طراحی مسکن معاصر شهری ایران است. با بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی-توصیفی و تحلیل محتوای کیفی متون موجود (شامل متون اسلامی، دیدگاه متفکران شرق و غرب و ویژگی‌های معماری سنتی ایران)، این مطالعه به شناسایی جوهره مفاهیم سکونت و خانه پرداخته و مؤلفه‌های اصلی هویت‌بخش خانه سنتی را استخراج می‌کند. سپس، با مقایسه این مؤلفه‌ها با وضعیت موجود مسکن معاصر، یک چارچوب نظری برای ادغام این اصول در طراحی‌های نوین پیشنهاد می‌شود. این چارچوب بر ایجاد ارتباط معنادار بین ساکنان و محیط زیستشان تأکید دارد و راهبردهای طراحی‌ای را ارائه می‌دهد که می‌تواند به تقویت حس تعلق و پایداری فرهنگی در مسکن معاصر کمک کند.

کلمات کلیدی: خانه، سکونت، مسکن، فرهنگ، هویت، معماری سنتی ایرانی، مسکن معاصر، چارچوب مفهومی

۱. مقدمه

خانه به عنوان اولیه ترین و مردمی ترین کالبد شهر، بازگو کننده شرایط اجتماعی، زیبایی شناسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جامعه در دوره مربوط به خود است که به واسطه معمار (سازنده) نمود کالبدی و عینی پیدا می کند (بانی مسعود، ۱۳۸۰). مفهوم خانه به عنوان یک شکل کالبدی، بر اساس سازمان فضاهای داخلی قرار نمی گیرد، بلکه معنی در طراحی آن اهمیت پیدا می کند. مکان ها دارای معنی هستند و خانه مکان اصلی فعالیت های روزانه انسان می باشد (Zukin, 1995). در فرهنگ ایرانی، خانه فراتر از یک مکان فیزیکی، همواره مجموعه ای از ارزش ها، فرهنگ و معانی بوده که هویت انسان را تعریف و تبیین می کند. اصول معنوی حاکم بر معماری خانه سنتی ایرانی، ریشه در فرهنگ و اندیشه های این مرز و بوم دارد و مؤلفه هایی چون محرمیت، انعطاف پذیری و ارتباط با طبیعت، جوهره این معماری را تشکیل می دهند.

با این حال، فرآیند شهرنشینی مدرن و تحولات ناشی از آن، الگوی اجتماعی متفاوتی از مسکن را به وجود آورده است. مدرنیته و تأثیرات آن بر الگوی سکونت آدمی تنها محدود به بعد کمی افزایش جمعیت و در نتیجه افزایش خانه ها نبوده، بلکه مهم تر از آن، فرآیندهای کیفیت خانه و مسکن انسان مدرن و معاصر را شدیداً متأثر ساخت. سودجویی های اقتصادی، مدپرستی، فرد گرایی ناشی از مدرنیته و مصرف گرایی، معماری معاصر امروز ایران را بی هویت ساخته و پیوندهای فرهنگی، اجتماعی و هویتی را از بین برده است. کمبود شدید غنای فضایی و عدم تعلق به مکان در خانه های معاصر اتفاقی است که بخش عمده آن به دلیل از بین رفتن جایگاه و مفهوم اصیل خانه و ویژگی های معماری سنتی در دوره کنونی رخ داده است.

در حالی که پژوهش های قبلی به تفصیل به معرفی مفاهیم و ویژگی های خانه سنتی پرداخته اند، کمتر به یک رویکرد تحلیلی- مفهومی برای بازتفسیر و ادغام نظام مند این اصول در طراحی مسکن معاصر پرداخته شده است. این پژوهش با هدف پر کردن این خلأ، به تحلیل تطبیقی مفاهیم خانه و مسکن در ادبیات نظری و بررسی جامع مؤلفه های هویت بخش خانه سنتی ایرانی می پردازد. هدف نهایی، ارائه یک چارچوب مفهومی و نظری برای پیوند معنادار اصول معنوی و هویتی خانه سنتی با الزامات طراحی مسکن معاصر در ایران است تا راهکاری برای مقابله با چالش هویت زدایی و تقویت پایداری فرهنگی در معماری امروز ارائه گردد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مفهومی-تحلیلی با رویکرد کیفی است. در این مطالعه، هدف، تحلیل و سنتز ادبیات نظری موجود برای ارائه یک چارچوب مفهومی جدید است. این پژوهش بر مبنای مطالعات کتابخانه ای و اسنادی (بررسی متون نظری، مقالات علمی، کتب مرتبط با معماری سنتی و معاصر) انجام گرفته و از روش تحلیل محتوای کیفی برای بررسی و تعاریف مختلف مفاهیم خانه بهره گرفته شده است.

مراحل پژوهش به شرح زیر است:

۱. شناسایی و استخراج مفاهیم کلیدی: در مرحله نخست، با تحلیل محتوای کیفی متون کتابخانه‌ای و اسنادی موجود، مفاهیم بنیادین 'خانه'، 'سکونت' و 'مسکن' از دیدگاه‌های مختلف (متفکران شرق و غرب، متون اسلامی و ادبیات فارسی) استخراج و دسته‌بندی شدند.

۲. تحلیل ویژگی‌های هویت‌بخش خانه سنتی ایرانی: در گام بعدی، ویژگی‌های معماری خانه سنتی ایرانی (شامل انعطاف‌پذیری، سلسله مراتب و احترام به طبیعت) بر اساس محتوای بخش‌های مربوطه، به دقت تحلیل و به عنوان مؤلفه‌های هویت‌بخش شناسایی شدند.

۳. بررسی چالش‌های مسکن معاصر: با استناد به بخش‌های مربوط به "سیر تحول خانه سنتی به مسکن امروزی" و "تفاوت مفهوم خانه از مسکن" در ادبیات پژوهش، چالش‌ها و نقاط ضعف مسکن معاصر ایران در قبال هویت‌سازی و تعلق‌بخشی مورد تحلیل قرار گرفت.

۴. تطبیق و سنتز نظری برای ارائه چارچوب مفهومی: در مرحله نهایی، با تطبیق و مقایسه مؤلفه‌های هویت‌بخش خانه سنتی (شناسایی شده در مرحله ۲) با مفاهیم بنیادین (مرحله ۱) و چالش‌های مسکن معاصر (مرحله ۳)، یک چارچوب مفهومی پیشنهادی برای بازتفسیر و ادغام اصول خانه سنتی در طراحی مسکن معاصر تدوین گردید. این چارچوب بر پایه تحلیل نظام‌مند و سنتز ایده‌های موجود بنا شده است و سعی در ارائه راهبردهای نظری برای طراحی مسکن با هویت ایرانی-اسلامی دارد.

۳. مفهوم سکونت:

سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض است که به مکانی قابل اعتماد از همدمی با انسان می‌رسد (شولتز، ۱۳۸۱). این مفهوم فراتر از صرفاً حضور فیزیکی در یک مکان است و شامل احساس تعلق، یافتن موجودیت و توافق با دیگران بر سر ارزش‌های مشترک می‌شود. هایدگر (۱۳۸۲) به مترادف بودن مفاهیم سکونت و "بودن" اشاره می‌کند که به معنای منزل کردن، اقامت گزیدن، خوشحال بودن، در آرامش بودن و در صلح و صفا زیستن است.

شیوه‌های سکونت را می‌توان به شرح ذیل طبقه‌بندی نمود:

- آزمودن زندگی به عنوان عرصه، اندیشه، تولیدات و دیدار با دیگران با آهنگ داد و ستد.
- توافق با دیگران یعنی پذیرش مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک.
- یافتن موجودیت از طریق گزینش جهانی کوچک و از آن خود.

در دیدگاه راپاپورت (۱۳۸۸)، مسکن صرفاً یک ساختار فیزیکی نیست، بلکه یک "نهاد" اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که کارکردهای آن متأثر از عوامل اجتماعی است. این دیدگاه بر آن است که سکونت و مسکن، حیات مادی و معنوی انسان را در بر

۴-۱- مفهوم خانه در زبان فارسی:

واژه خانه، شاید مهم ترین کلمه‌ای باشد که برای شناخت مفهوم زیست در هر فرهنگ باید به آن پرداخت. این کلمه در هزارتوی فرهنگ و در ادوار مختلف بر مفاهیمی مشترک و گاه متعدد دلالت می‌کرده است (براتی، ۱۳۸۲). واژه خانه که امروزه مصطلح است در گذشته به اتاق اطلاق می‌شده است، اتاق خصوصی را (وستاخ) یا گستاخ یا وثاق می‌نامیده‌اند، از واژه سرا به جای کلمه خانه در اصطلاح امروز آن، استفاده می‌شده است. در جنوب ایران اصطلاح خانه سرا (به معنی سرای با اتاق است) مرسوم بوده است. انسان وقتی از غار بیرون آمد نیاز به سرپناهی داشت و بر این اساس طبیعی است که قدیمی ترین مورد معماری، ساختمان خانه باشد. این امر از عصر حجر شروع شده و عناصر دیگر معماری از بعد زمانی فرع بر آن است (پیرنیا، ۱۳۸۴).

۴-۲- تعاریف خانه از دیدگاه بزرگان معماری:

پس از بیان مفاهیم مختلف خانه و آشنایی با این مفاهیم، در این بخش برای درک بهتر این مفهوم، در قالب جدول ۱ به بیان تعاریف مختلف آن از دیدگاه بزرگان معماری می‌پردازیم.

جدول ۱- تعاریف خانه از دیدگاه بزرگان معماری، منبع: نگارندگان

تعریف	محقق
خانه پوششی برای برقراری رابطه ای صحیح بین محیط خارج و پدیده‌های زیستی انسانی در تطابق با شرایط مختلف (سالمی، ۱۳۷۴).	لوکوربوزیه
خانه برای ساکنانش مرکز جهان و برای محله‌ای که در آن جای گرفته، شاخص ترین بنا در تحکیم مکان (سالمی، ۱۳۷۴)	چارلز مور
خانه مکانیست برای تجلی احساسات، عقاید و باورهایمان به صورت ناآگاهانه، برای برقراری ارتباط با خود و با نمادی از خود (خانه) (راس و دیگران، ۱۳۷۹).	کلیر کوپر
خانه‌ها برای زیستن است نه برای نگریستن. بنابراین کاربردها مهم‌تر از شکل ظاهریشان می‌باشد، مگر آن که هر دو نکته در یک خانه جمع شده باشد. "خانه، ماشین زندگی من نیست" (سالمی، ۱۳۷۴)	فرانسیس بیکن
خانه مقدس است و چیزی بیش از یک سرپناه ساده است. خانه به دلیل آئین‌های مذهبی برپا می‌شود. خانه نه سر پناه و نه محل سکنی است، بلکه یک معبد است (راپاپورت، ۱۳۸۸)	رگلان
خانه، فضای زندگی و متأثر از زمان و مکان بوده و دارای مفهومی غیرمجرد است (اعطا و دیگران، ۱۳۸۶)	بیژن شافعی
خانه پروژه کوچکی است؛ در واقع یک موضوع آزمایشگاهی است که معماران بر اساس شرایط فکریشان می‌توانند تجربه کنند و نظریات متفاوتی را در قالب خانه آزمایش کنند (اعطا و دیگران، ۱۳۸۶).	رضا دانشمیر
خانه بلافصل‌ترین فضای مرتبط با آدمی و اولین فضا برای تجربه احساس تعلق فضایی در آن است. تنها مکانی است که اولین تجربه‌های بی واسطه با فضا در انزوا و جمع در آن صورت می‌گیرد. در محیط شهری فرو مرتبه‌ای که دستاورد جامعه‌ای است که تکنولوژی را بر همه چیز حاکم می‌کند، خانه شخصی، آخرین پناهگاه بشر شده است. در نتیجه خانه شخصی مفهومی اجتماعی، در برابر پیشینه فلسفه فردی است (سالمی، ۱۳۷۴).	تادائو آندو
خانه مرکز جهان و کل عالم است. خانه در کیهان حضور دارد و کیهان هم در خانه حضور دارد (سالمی، ۱۳۷۴).	مونتاز موزونا
خانه نقطه ایی است ثابت که شکل محیطی مفروض را به معرض "مکانی مسکون" تغییر می‌دهد.	نوربرگ شولتز
خانه در وهله اول نوعی نهاد است و نه سازه. از آنجا که احداث خانه پدیده‌ای فرهنگی است، شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تأثیر فرهنگی است که بدان تعلق دارد (سالمی، ۱۳۷۴).	راپاپورت

پس از بیان تعاریف مختلف از دیدگاه بزرگان در باب موضوع خانه، در ذیل به بیان اهمیت فرهنگی خانه و تفاوت خانه و کاشانه پرداخته شده است.

۵. اهمیت فرهنگی خانه:

مسلماناً در میان همه اقوام و ملل و فرهنگ‌های جهان، خانه جایگاهی ویژه دارد. از آن جا که این مکان متضمن تشکیل نوعی از هم زیستی گروهی در بین انسان‌هایی است که با یکدیگر نسبت‌های مشخص دارند، می‌توان آن را، بعد از سرپناه‌های اولیه، از قدیمی‌ترین اماکن بشری شمرد. مسلماناً جوامع در ساخت و سازهای خود امکان انتخاب‌های متعدد از میان الگوهای مختلف را داشته‌اند. آن چه در نهایت انتخاب شده فقط به واسطه محدودیت‌ها و امکانات فیزیکی و بیولوژیکی نبوده است، بلکه فرهنگ نقش مؤثری در آن داشته است؛ و در غیر این صورت، این همه تنوع ساخت در خانه‌های دنیا وجود نمی‌داشت (براتی، ۱۳۸۲).

از نگاه (انسان‌شناسانه) خانه مؤلفه یا پدیده‌ای برای تولید فرهنگ است، که دارای جنبه‌های مادی و غیر مادی است که این جوانب توسط انسان در آن خلق می‌شود و آموخته می‌گردد و اشاعه و انتقال می‌یابد. از زاویه روانشناختی این پدیده فضای مناسبی برای رشد تربیت افراد و گسترش و تقویت آرامش، عاطفه، محبت و علائق و انگیزه‌ها می‌تواند باشد (شربتیان، ۱۳۸۷).

در همین راستا می‌توان به مفهوم خانه در فرهنگ ایرانی اشاره نمود. در فرهنگ ایرانی، خانه محلی برای تجلی بخشیدن به ارزش‌های سنتی دینی و حفظ خانواده است. از این‌رو، مفاهیم خانه و خانواده آهنگ زبان شناسانه مشترک و معانی نزدیک به هم دارند. در فرهنگ سنتی ایرانی، خانه باید حریم اندرونی و بیرونی داشته باشد تا بیگانه چشمش به ناموس خانه نیفتد؛ اما در این فرهنگ، مرزی میان محرمان ساکن خانه وجود ندارد (فاضلی، ۱۳۸۷).

۵-۱- تفاوت بین خانه و کاشانه:

این که انسان چگونه از فضاهای خانه خود استفاده می‌کند نیز یک پدیده فرهنگی است. زیرا استفاده هدفمند از فضاهای مسکونی، آدابی را خلق می‌کند که تفاوت بین خانه^۱ و کاشانه^۲ را پدید می‌آورد (Lawrence, 1995). کاشانه مکان امنی است که هم آسایش و هم انتظارات و توقعات انسان را تأمین می‌کند و هویت او را به نمایش می‌گذارد. لذا آدابی که در محیط خانه وجود دارد، فرایندی است که می‌تواند خانه را به کاشانه تبدیل کند (Perkins & Thorns, 2000). لذا این‌گونه محیط‌ها ارزش‌های مورد نظر کاربران را به میزان قابل قبولی تأمین می‌نمایند. بنابراین در طراحی توجه به موضوعات مختلف و معانی آن‌ها اهمیت بیشتری نسبت به عملکرد پیدا می‌کند (Chaney, 1996).

۶. مفهوم مسکن:

مسکن به معنای محل آرامش و سکونت است که از ماده سکن به معنی آرامش می‌آید و در اصطلاح به مکانی می‌گویند که انسان در آن زندگی می‌کند. در لغت نامه دهخدا مسکن چنین معنی شده: جای باشش و خانه، منزل و بیت، جای سکونت و مقام، جای آرام... (ستارزاده، ۱۳۸۵). کلمه مسکن یا خانه یا آن‌چه رساننده مفهوم محل سکونت خانواده‌هاست در همه جوامع، مفهوم متعالی و مقدس دارد. انسان‌ها در بیرون از خانه درگیر نبردی طولانی و دائمی برای زندگی کردن هستند. سرما، گرما،

باد و باران، همه، بشر بیرون از خانه را به شکلی تهدید می‌کند. مسکن مسئله‌ای بسیار پیچیده و بسیار گسترده است. اهمیت مسکن از جایی نشأت می‌گیرد که بسیاری از نیازهای اولیه فرد همانند خوراک، استراحت و... در آن تأمین می‌گردد (تبریزی، ۱۳۸۸). در دومین اجلاس اسکان بشر در سال (۱۹۹۶) در استانبول، مسکن مناسب چنین تعریف شده است: «سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه، سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آبرسانی مناسب، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست محیطی عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به استطاعت مردم تأمین شود». بحث مسکن از اصلی‌ترین و مهمترین مباحث در مجموعه مطالعات اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی به شمار می‌آید و عدم پاسخ‌گویی و عدم شناخت این مقوله مهم می‌تواند تأثیر جبران‌ناپذیری بر کل جامعه و نظام وارد آورد (ستارزاده، ۱۳۸۵). برای درک بهتر موضوع، در جدول ۳ برخی از مفاهیم و کارکردهای مسکن به اختصار بیان شده است.

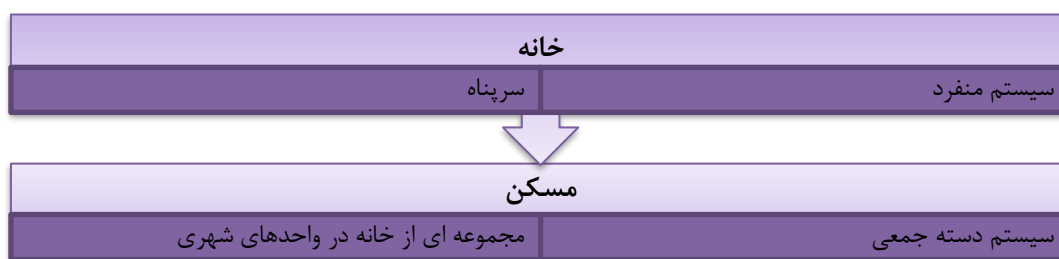
جدول ۳- معرفی مفاهیم و کارکردهای مسکن از دیدگاه‌های مختلف، منبع: نگارندگان

محقق	مفهوم مسکن
ستارزاده، ۱۳۸۵	معنای محل آرامش و سکونت، مکانی برای زندگی انسان.
تبریزی، ۱۳۸۸	علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را در بر گرفته و شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهزیستن خانواده است.
راپاپورت، ۱۹۶۹	مسکن تنها یک ساختار نیست، بلکه یک "نهاد" و پدیده‌ای اجتماعی بوده که انتظام و نوع فضاها و همچنین فرم فیزیکی آن متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی است.
محقق	کارکردهای مسکن
تبریزی، ۱۳۸۸	حفظ و حراست انسان از شرایط جوی
	مکانی جهت فراغت انسان و تکامل او
	ایجاد محیطی سازگار و منطبق بر روش زندگی انسان
پوردیهیمی، ۱۳۹۰	تأمین نیازهای شخصی و در کنار آن، تأمین نیازهای کیفی و نیازهای اجتماعی انسان
ستارزاده، ۱۳۸۵	مهمترین تأمین‌کننده تمدن و مهمترین نگاه‌دار فرهنگ اجتماعی جامعه

۶-۱- تفاوت مفهوم خانه از مسکن:

وقتی صحبت از خانه می‌شود در ذهن ما تصویری از یک سر پناه و تعدادی اتاق توأم با سرویس‌های مختلف به وجود می‌آید. در حالی که وقتی صحبت از مسکن می‌شود، منظور سطحی وسیع‌تر از خانه است، که شامل یک سیستم دسته جمعی می‌گردد و آن مجموعه‌ای از خانه‌هاست که در واحدهای شهری مطرح می‌گردد. بنابراین مسکن یعنی مجموعه‌ای از خانه‌ها و خیابان‌ها و سرویس‌های وابسته به آن. خانه یکی از عناصر وابسته به مسکن است که احتیاج افراد ساکن در آن برحسب نیازهایی که از یک واحد مسکونی دارند، ابعاد و اندازه‌های آن را مشخص می‌سازد. این ابعاد و اندازه‌ها هنگامی معقول است که با امکان ایجاد یک

واحد مسکونی از نظر قیمت مصالح ساختمانی، قیمت زمین، ناهماهنگی ساختمان با خصوصیات محیطی تکنیک ساختمان و مانند آن‌ها وفق دهد و با تعداد افراد ساکن در آن واحد مسکونی مطابقت داشته باشد (شربتیان، ۱۳۸۷).



شکل ۱- تفاوت مفهوم خانه از مسکن، منبع: نگارندگان

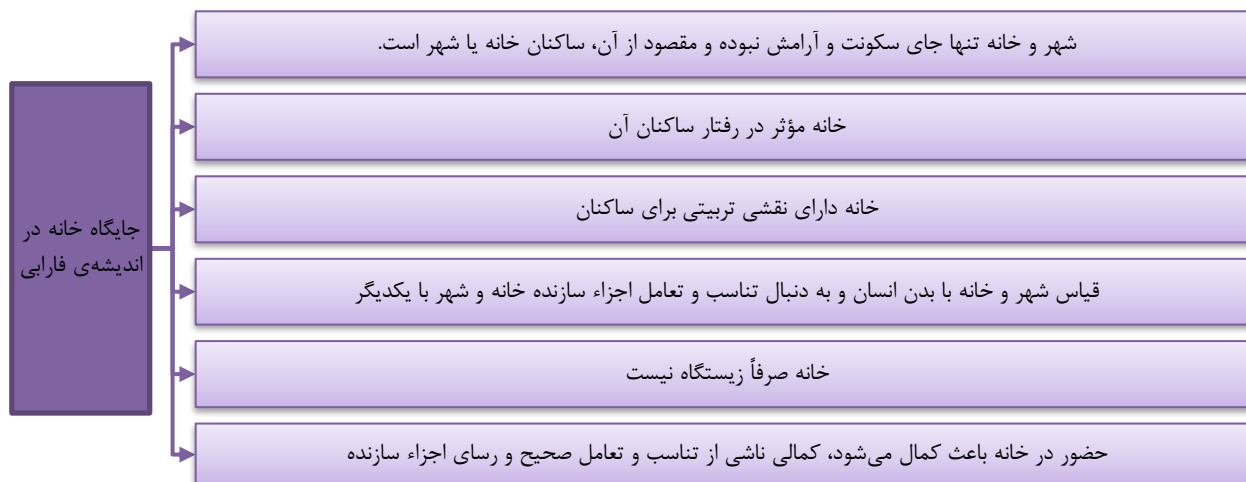
۷. جایگاه و مفهوم خانه در شعر و ادبیات متفکران شرق:

۷-۱- جایگاه خانه در اندیشه‌ی فارابی:

ابونصر فارابی در «فصول منتزعه» به اظهارنظر در مورد خانه و شهر می‌پردازد. وی می‌نویسد: خواست دانایان قدیم از واژه شهر و خانه تنها جای سکونت و آرامش نبوده است؛ بلکه آنچه از آن‌ها خواسته می‌شود کسانی است که خانه یا شهر آنها را دربر گرفته است و آنان در آن زندگی می‌کنند. آن‌ها هر گونه‌ای که باشد و از هر چیزی که پدید آید و در هر جایگاهی، چیزهایی است که خانه را بدان سازند تا مردم را دربرگیرد و آنان را نگه دارد. وی معتقد است خانه‌ها در رفتار ساکنان آن کاملاً تأثیر می‌گذارد. او معماری و ساخت خانه را تنها نشان‌دهنده نوعی از اندیشه معرفی نمی‌کند بلکه بر آن باور است که دقیقاً خانه بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارد و نقشی تربیتی برای خانه قائل می‌شود.

فارابی گذشته از تأثیر تربیتی خانه همانا قائل به محوریت پیوند و اساس قرار دادن انسان و رابطه انسان‌ها با یکدیگر در خانه است و اساساً همین رابطه هاست که به خانه معنا می‌دهد. او شهر و خانه را با بدن انسان قیاس می‌کند و از این مقایسه نتیجه می‌گیرد که اجزاء سازنده‌ی خانه باید با یکدیگر تناسب داشته باشند. وی به دنبال تعامل اجزاء سازنده‌ی خانه و شهر با یکدیگر است. او قائل به یک کل غیرقابل تجزیه است، کلی که یک هدف را دنبال می‌کند: کمال. خانه از نظر او صرفاً زیستگاه نیست بلکه جایگاهی است که حضور در آن باعث کمال می‌شود، کمالی که ناشی از تناسب و تعامل صحیح و رسای اجزاء سازنده است.

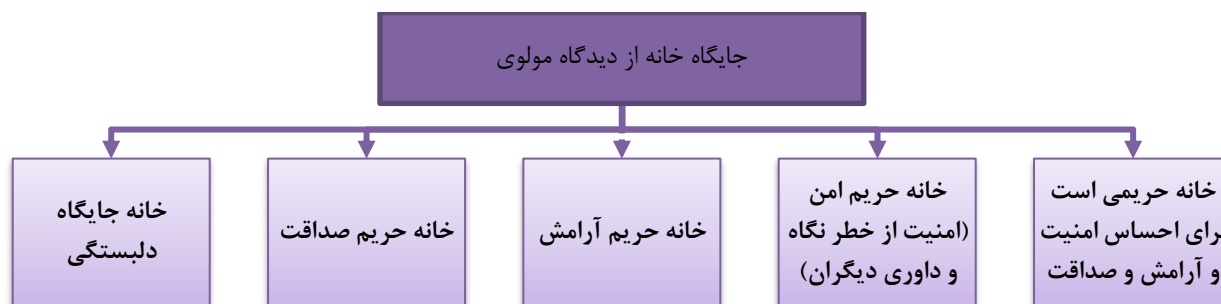
نگرش فارابی نگرش کلان‌نگری غربی نیست. او به یک یک اجزاء تکامل و تعامل آنها با یکدیگر می‌اندیشد چرا که در اندیشه او این یگانه راه رسیدن به «مدینه‌ی فاضله» است (فارابی، ۱۳۸۲).



شکل ۲- جایگاه خانه در اندیشه فارابی، منبع: نگارندگان

۲-۷- جایگاه خانه در اندیشه‌ی مولوی:

خانه به معنای دقیق فلسفی، "حریمی" است که دو ویژگی اصلی دارد: اول آن که، خانه حریمی است که در آن احساس امنیت و آرامش و صداقت می‌کنیم. خانه حریم امن است برای آن که در محدوده آن خود را از تیررس آفات و مخاطرات، خصوصاً خطر نگاه و داوری دیگران، تا حدّ زیادی ایمن می‌یابیم. امنیت خانه فقط از نوع امنیت فیزیکی نیست، بلکه مهم تر و بالاتر از آن فرد در حریم خانه از نگاه موشکاف و منتقد دیگران ایمنی دارد. روح آدمی در سایه سار امنیت، آرامش می‌یابد. به همین دلیل خانه حریم آرامش هم هست. خانه حریمی است که فرد می‌تواند تا حدّ زیادی خود را عاری از آرایه و پیرایه بنگرد و همین ویژگی است که آن را حریم صداقت می‌کند. ویژگی دوم خانه این است که جایگاه دل‌بستگی است. وقتی مکانی برای انسان از سایر مکان‌ها متمایز می‌شود؛ به آن دل بسته و در حفظ و حراست آن می‌کوشیم. بنابراین، از یک سو خانه ما را از گزند آفات و مخاطرات ایمن می‌دارد، و از سوی دیگر، در دفاع و آرایش و پیرایش آن می‌کوشیم. بنابراین، برآیند این حفاظت دوگانه است که فضا یا حریمی را تبدیل به خانه می‌کند (نراقی، ۱۳۸۳).



شکل ۳- جایگاه خانه از دیدگاه مولوی، منبع: نگارندگان

۸. جایگاه و مفهوم خانه از دیدگاه متفکران غرب:

۸-۱- سکونت و مسکن به روایت مارتین هایدگر iii :

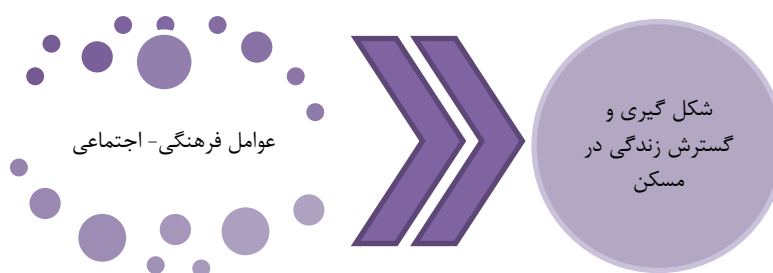
هایدگر توجه خاصی به مفهوم واقعی و چیستی خانه دارد. وی از سکونتگاه های فعلی انتقاد می کند و معتقد است که ما معنای دقیق فعل پروراندن (ساختن)، یعنی سکونت گزیدن را از دست داده ایم. هایدگر به مترادف بودن مفاهیم سکونت و بودن اشاره می کند (براتی، ۱۳۸۲). وی در تلاش خود برای توجیه چیستی مسکن و سکونت به لغت گوتهیک اشاره می کند که به معنای منزل کردن و اقامت گزیدن و در ضمن خوش حال بودن، در آرامش بودن و در صلح و صفا زیستن است (نوربرگ- شولتز، ۱۳۵۳). هایدگر ادعا می کند که مسکن به آن علت به امر سکونت تحقق می بخشد که ما می توانیم بسازیم و در این ساختن است که قدرت و توان انسان متمرکز می شود و ساختن خانه سبب می شود تا زمین و آسمان و باقی ها و فانی ها با سادگی خود در آن گرد آیند. سپس نتیجه می گیرد که حیات مادی و معنوی انسان در خانه شکل می گیرد و جریان می یابد (شوای، ۱۳۷۵). از نظر هایدگر، سکونت خود نشانه روشن و بارز وجود است؛ وجودی که انسان در نسبت با آن فانی است. وی تفکر را امری ضروری در پدیده سکونت و مسکن می یابد و می گوید که سکونت کردن، حاصل اندیشیدن و ساختن است، ولی اگر این دو- اندیشه و ساختن- در کنار یکدیگر قرار نگیرند، سکونت تحقق نخواهد یافت. بدین ترتیب، سکونت در اشکال امروزی آن از نظر هایدگر بی ریشه است و تا به مفاهیم عمیق و ریشه های واقعی خود متصل نشود؛ محقق نخواهد شد (شوای، ۱۳۷۵).



شکل ۴- سکونت و مسکن به روایت مارتین هایدگر، منبع: نگارندگان

۸-۲- مفهوم خانه و سکونت از دیدگاه راپاپورت^۷!

راپاپورت عوامل فرهنگی- اجتماعی را یکی از تأثیرگذارترین عواملی می داند که در نحوه شکل گیری و گسترش زندگی در مسکن تأثیر دارد. وی یکی از ویژگی های فرهنگی هر قوم، نحوه قرارگیری واحدهای مسکونی در کنار هم است که این ویژگی ها از باورها و فرهنگ سنتی اقتباس می گردد (بانی مسعود، ۱۳۸۰، ۹).



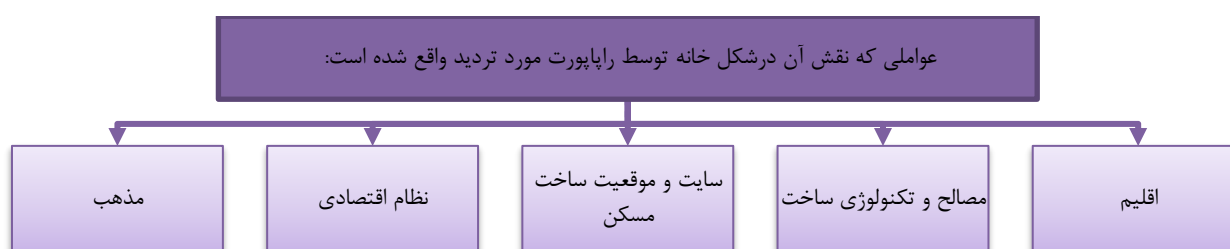
شکل ۵- عوامل فرهنگی- اجتماعی، مهمترین عامل در نحوه شکل گیری و گسترش زندگی در مسکن از دیدگاه راپاپورت، منبع: نگارندگان

راپاپورت سنت مردمی خانه سازی را که پیش از ظهور معماران، سنت غالب بوده، ترجمه ناخودآگاه نیازها، ارزشها، تمایلات و غرایز یک قوم می داند (راپاپورت، ۱۳۸۸). وی معتقد است این که خانه را پاسخی به نیاز انسان برای محافظت از خود در برابر حیوانات، انسان های دیگر یا فشارهای آب و هوایی بدانیم کافی نیست و این، تنها مفهوم سرپناه را دربر می گیرد. مهمترین پرسش راپاپورت این است که به راستی، این همه تنوع در شکل خانه، برگرفته از چیست و چه عواملی بر تعیین شکل خانه های ما تأثیرگذارند؟ وی در ابتدا نقش تعیین کننده اقلیم را در شکل خانه، به چالش کشیده و معتقد است؛ مهمترین نمود این مسئله را در بین مهاجران می توان دید که شیوه خانه سازی فرهنگ خود را به مکان جدید برده و حتی علی رغم تضادش با اقلیم جدید، همچنان بر حفظ آن تأکید دارند. در اینجا شکل خانه بیش از آنکه تحت تأثیر اقلیم باشد برگرفته از سنت است (پرچمی عراقی، ۱۳۸۱).

راپاپورت اهمیت متغیر اقلیم را انکار نمی کند؛ بلکه نقش تعیین کننده آن را مورد تردید قرار می دهد. عامل دیگری که راپاپورت، منکر نقش تعیین کننده آن در شکل خانه می شود، مصالح و تکنولوژی ساخت است. وی با ذکر چند مثال نشان می دهد که الزاماً دستیابی به تکنولوژی ها و مصالح جدیدتر، نمی تواند شکل خانه را دگرگون سازد (راپاپورت، ۱۳۸۸).

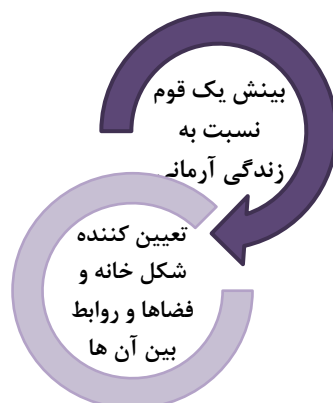
سایت و موقعیت ساخت مسکن نیز در نظریه راپاپورت، نقش تعیین کننده ای در رابطه با شکل مسکن ندارد؛ چرا که او موارد بسیاری را مطالعه کرده که در زمینی با ویژگی های واحد (مثلاً شیب دار، جنگلی، نزدیک آب و...)، اشکال متنوعی از خانه ظاهر شده اند و یا اشکال یکسانی را می توان در سایت های مختلفی مشاهده نمود (راپاپورت، ۱۳۸۸). نظام اقتصادی اثر تعیین کننده ای بر فرم خانه نمی گذارد. گاهی تعداد خانه های ثروتمند بیشتر از تعداد خانواده های ثروتمند است! عواملی چون: ۱- همیاری اجتماعی، ۲- انگیزه نیکو ۳- همبستگی اجتماعی و ... بهره وری اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهند (پرچمی عراقی، ۱۳۸۱).

(مذهب) نوعی جبرگرایی ضدطبیعی است که در مقابل جبرگرایی طبیعی (سر پناه دانستن خانه) قرار می‌گیرد. تفاوت در حوزه فضایی مردانه و زنانه، ویژگی مقدس آستان خانه و ورودی آن، جداسازی بین محیط مقدس و نامقدس از تأثیرات مذهبی‌اند. اما مذهب به تنهایی نمی‌تواند فرم نهایی خانه را توضیح دهد؛ زیرا در این صورت نیازهای اختصاصی و ویژه خانه را نادیده گرفته ایم (راپاپورت، ۱۳۸۸).



شکل ۶- عواملی که نقش آن در شکل خانه توسط راپاپورت مورد تردید واقع شده است، منبع: نگارندگان

راپاپورت فرضیه پایه خود را در مورد شکل خانه چنین مطرح می‌کند: "شکل خانه، تنها نتیجه نیروهای فیزیکی یا هر عامل سببی واحد دیگری نبوده، بلکه شکل خانه، حاصل مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی- فرهنگی در وسیع‌ترین شکل آن می‌باشد... در نتیجه، من نیروهای اجتماعی و فرهنگی را نیروهای اولیه یا اصلی و دیگر نیروها را نیروهای ثانویه یا تغییردهنده خواهیم نامید... آن چه که سرانجام، شکل خانه را تعیین می‌کند و به فضا و روابط آن‌ها شکل می‌دهد، بینشی است که یک قوم از زندگی آرمانی دارد." وی گرچه منکر مزیت خانه‌های جدید از نظر شاخص مقاومت و نیز بهداشتی بودن، نمی‌شود؛ اما معتقد است که سنت‌های مردمی خانه‌سازی، بهتر می‌توانند تناسب بین فضای خانه و سبک زندگی ساکنان آن را حفظ کنند (پرچمی عراقی، ۱۳۸۱).



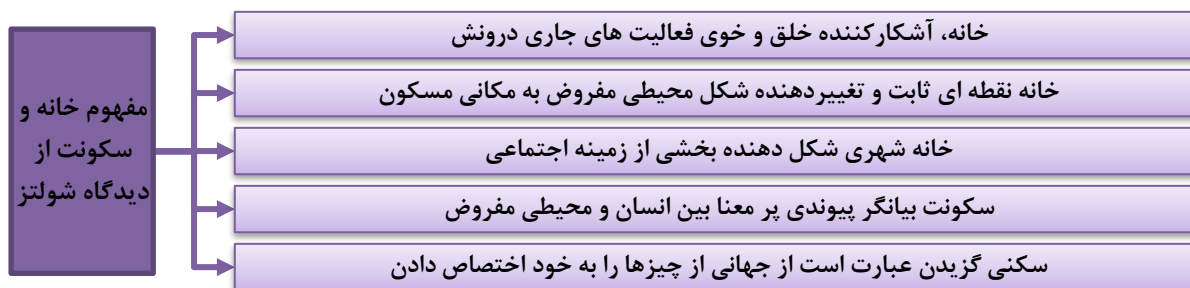
شکل ۷- عامل اصلی تعیین شکل خانه و روابط بین فضاهای آن از دیدگاه راپاپورت، منبع: نگارندگان

راپاپورت، خانه را وسیله یا ابزاری برای شکل دادن به شخصیت می‌داند و از همین‌رو، بر مطالعه و شناخت اولویت‌ها و عوامل اجتماعی- فرهنگی دخیل در شکل مطلوب خانه‌های امروزی برای ساکنان آن‌ها تأکید می‌ورزد (راپاپورت، ۱۳۸۸). در نهایت می‌توان چنین گفت که از نظر راپاپورت مسکن و سکونتگاه‌ها، توصیفی فیزیکی از عوامل مشترک اجتماعی هستند. وی خانه را یک حقیقت انسانی می‌داند که انسان حتی در سخت‌ترین شرایط، برای دستیابی به خانه آرمانی خود تلاش نموده است و می‌توان انتخاب‌های او را که مستلزم وجود ارزش‌های فرهنگی است، در آن مشاهده نمود. لذا فرهنگ اجتماعی، عامل اصلی در ساختار روش زندگی و شکل فیزیکی خانه‌ها و سکونتگاه‌ها می‌تواند یک تجسم فیزیکی از محیط آرمانی در نظر گرفته شود (Rapaport, 1969).

۸-۳- مفهوم خانه و سکونت از دیدگاه شولتز^v:

خانه تنها به پدید آوری کیفیات جوی محیط اکتفا نکرده و می‌باید خلق و خوی آن فعالیت‌هایی که در درونش جریان می‌یابند را نیز آشکار سازد (نوربرگ- شولتز، ۱۳۸۱، ۲۸). خانه نقطه‌ای است ثابت که شکل محیطی مفروض را به معرض "مکانی مسکون" تغییر می‌دهد. خانه مفاهیم گزیده‌ای را گرد می‌آورد که مقصود ویتگنشتاین از گفته‌ی "من جهان خویشتم" را برآورده می‌سازد (همان، ۲۹). خانه شهری بخشی از زمینه اجتماعی را شکل بخشیده و به ناچار باید به طرز مستقیم‌تر با همسایه‌های خود به سازش برسد. در مقابل، خانه برون شهری از چنین قیدی رهاست (همان، ۳۱). خانه و بنای عمومی دارای مبدا مشترک بوده و از نیاز اولیه انسان به یافتن جای پای در عالم هستی ریشه می‌گیرند. خانه مکانی است که در آن وقوف به صورت ذاتی خود نگهداری شده حال آنکه بنای عمومی سطح رفیع‌تر استنتاج کلی را به نمایش می‌گذارد. به عبارتی خانه خود زندگی بوده در حالی که بنای عمومی تصویر زندگی می‌باشد.

سکونت بیانگر پیوندی پر معنا بین انسان و محیطی مفروض می‌باشد. او مکان خود و از این طریق نوعی قابل اعتماد از همدمی با انسان‌های دیگر را بر می‌گزیند. این مناظره کلامی بین عزیمت و بازگشت، یا بین مسیر و هدف، عصاره و گوهر آن "فضائیت" وجودی است که به واسطه معماری در قالب اثر می‌آید. در صورت استناد دادن تصور کلی‌های دیگر از چیز به مسئله سکونت می‌توان اظهار داشت، سکنی گزیدن در اصل عبارت است از جهانی از چیزها را به خود اختصاص دادن، امری که نه با تصورات مادی بلکه در قالب بنیه‌ای در خدمت تعبیر معنا و مقصود گرد آمده توسط چیزها روی می‌دهد. به قول هایدگر "چیزها" در معیت یک جهان به دیدار ما ناسوتیان می‌شتابند و زمانی که بر پیام آن‌ها وقوف می‌یابیم به تحصیل جای پای هستی که همانا سکونت باشد توفیق یافته ایم (همان، ۳۳).



شکل 1- مفهوم خانه و سکونت از دیدگاه شولتز، منبع: نگارندگان

۹. تفاوت مفهوم سکونت و زندگی در دیدگاه انسان شرقی و غربی

با توجه به آن چه بیان شد، می توان گفت مفهوم سکونت و زندگی برای انسان شرقی بسیار فراتر از مفاهیم مادی و رفع نیازهای روزمره انسانی بوده و بدین ترتیب با شیوه سکونت و زندگی انسان غربی کاملاً متفاوت است. برای درک بهتر موضوع، تفاوت های موجود در این زمینه در قالب جدول ۴ بیان شده است.

جدول ۴- تفاوت مفهوم سکونت و شیوه زندگی بین انسان شرقی و غربی، منبع: نگارندگان

تفاوت مفهوم سکونت و شیوه زندگی بین انسان شرقی و غربی	
غرب	شرق
هدف جهان غرب توجه به کالبد و پوسته زندگی	هدف جهان شرق توجه به روح زندگی و مفاهیمی ماورای جسم و کالبد آن
تحقق معنا و مفهوم سکونت و زندگی، در محدوده مفاهیم مادی و رفع نیازهای روزمره انسانی	تحقق معنا و مفهوم خانه در کنار مفهوم خانواده (خانه و خانواده دو عنصر لاینفک)
خانه مدرن، ماشینی برای زندگی انسان	خانه، دارای مفهومی عمیق، همسطح با خانواده
خانه مدرن ماشینی، مکانی فاقد معنا و مفهوم	خانه مفهومی ماندگار و غیرقابل تغییر
	خانه مفهومی فراتر از یک هتل یا یک سکونتگاه موقت

با تمام این اوصاف و تفاوت هایی که در دیدگاه شرقی و غربی وجود داشت اما چالش های پیش روی انسانها در صد ساله اخیر در غرب و شرق تا حدودی یکسان بوده و جهانی شدن اقتصاد و صنعت، فرهنگ های بومی و محلی را هم دستخوش تغییر قرار داده است. به تدریج بنیان های خانواده هم در جوامع شرقی گسسته می شوند و نقش خانواده به عنوان یک اجتماع چند نفره رنگ باخته و خانواده تک نفره نمود می یابد. در چنین شرایطی هرکس به دنبال رشد و افزایش کمیت زندگی خویش است (تفکر، ۱۳۷۷).

۱۰. جایگاه خانه در فرهنگ و معماری اسلامی:

۱۰-۱- خانه کعبه (نخستین خانه توحید):

خانه کعبه یک پیشینه تاریخی چند هزار ساله دارد. توسط یک پیامبر الهی با وحی و دستور مستقیم خداوند ساخته شده است. در قرآن کریم، آیات فراوانی در مورد آن وجود دارد. «نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است» (آل عمران: ۹۶).

«همانا نخستین خانه‌ای که برای عموم مردم قرار داده شد، همان است که در مکه قرار دارد، و مایه برکت و هدایت جهانیان است» (بقره: ۱۲۵). همان گونه که از این آیات شریفه بر می‌آید، خانه‌ی کعبه در مکه نخستین خانه‌ی توحید و یکتا پرستی و اولین جایگاه و مرکزی است که برای پرستش خدای یگانه ساخته شده است (رازی، ۱۳۲۵). همچنان که امام علی (ع) می‌فرماید: خانه کعبه نخستین خانه مبارکی است که برای پرستش و عبادت مردمان درست بنا شده است (طباطبائی، ۱۳۸۶).

۱۰-۲- کارکرد و جایگاه خانه در قرآن:

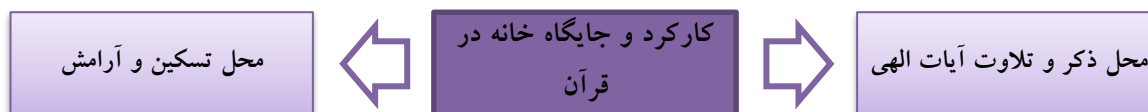
با نظر به آیات الهی و پرداختن آیات متعددی در قرآن به کلمه بیت به معنای خانه، چنین به دست می‌آید که این مکان مسقف محدود که محل اجتماع و زیست جمعی بشر و اولین محیط رشد و پرورش است، مورد عنایت حق بوده و بر حسب کارایی و جایگاهش در حیات انسانی، از اهمیت بسزایی برخوردار است (طهماسبی گنجور، ۱۳۸۳).

۱۰-۲-۱- محل تسکین:

واژه سکن به معنای هر چیزی است که انسان به وسیله آن تسکین یابد. انسان علاوه بر نیاز به سکونت در خانه، به محلی برای تسکین آلام روحی، رها شدن از برخی قیودات اجتماعی، استراحت به نحو دلخواه، خلوت کردن و راز و نیاز با خدا و محرمان نیاز دارد. اگر خانه تأمین کننده این نیازها نباشد، مسکن نخواهد بود. بنابراین، اولین کارکرد خانه، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه جانبه این محیط برای اعضاست (شربتیان، ۱۳۸۷).

۱۰-۲-۲- محل ذکر و تلاوت آیات الهی:

محیط آرام و مانوس خانه، آن را مکانی مورد احترام و عنایت قرار داده است؛ اما چنان چه این محل معبدی برای بندگی و ذکر حق واقع شود، خداوند آن را رفیع و عظیم می‌گرداند. همان طور که انسان هنگام دیدن فضای باز، بعضی از جاها را تاریک و بعضی را روشن می‌بیند خانه‌ای که در آن قرآن خوانده می‌شود و دین در آن حاکم است برای اهل آسمان نورافشانی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶).



شکل ۹- کارکرد و جایگاه خانه در قرآن، منبع: نگارندگان

۱۰-۲-۳- تفاوت خانه ها در قبل و بعد از اسلام:

تا پیش از ورود دین اسلام به سرزمین عربستان، مردم روابط اجتماعی خود را بر پایه تفکرات دوارن جاهلیت قرار می دادند. در آن زمان در سرزمین عرب، افراد، بدون اجازه و از راه در ورودی و یا از دیوار خانه و یا بام وارد خانه دیگری می شدند. چنین روش ورود به خانه یکدیگر به معنی شکستن حریم های خصوصی ساکنین آن خانه ها بود. دین اسلام تغییری بزرگ در این نحوه ی رفتار به وجود آورد. رسوخ آیات الهی در دل مؤمنین و تغییر رفتار اجتماعی با تکیه بر این آیات به نمودهای کالبدی بسیار جالبی در معماری جهان اسلام منجر شد. ساخت انواع کوبه و حلقه ها، برای به صدا در آوردن در به هنگام ورود به خانه، ساخت دیوارهایی به نام "حجاب" برای جلوگیری از دید به داخل خانه، ساخت هشتی ها و راهروهای پر پیچ و خم و راه حل های مشابه در معماری سرزمین های اسلامی دیده می شود (معماریان، ۱۳۸۶).

۱۱. خانه در معماری سنتی ایران:

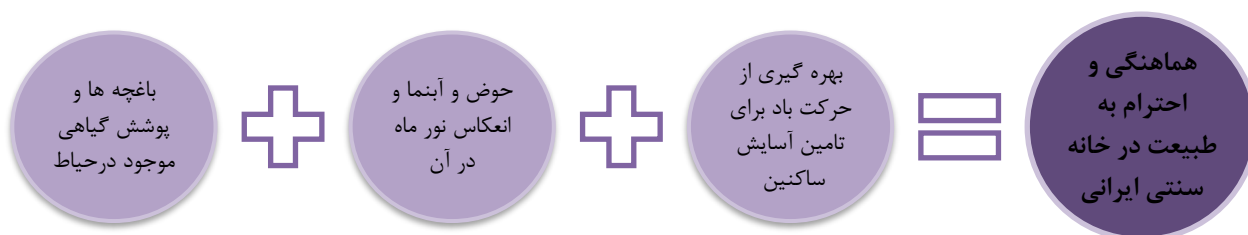
اصول معنوی حاکم بر معماری سنتی ایران، ریشه های عمیقی در فرهنگ و اندیشه های این مرز و بوم داراست. اصل محرمیت به عنوان یک اصل حاکم بر تمامی شئون زندگی، به زیبایی در معماری سنتی ایران کالبد یافته و آثار و نتایج عمیقی در سازماندهی فضایی و نحوه قرارگیری عملکردهای گوناگون داشته است. برخورد و آمیزش عنصر ایرانی با جریان های فرهنگ و هنر و اندیشه اسلامی، سیمای تازه ای به هنر ایرانی بخشید. معماری ایران پس از اسلام از طراحی، ظرافت و دقت نظر بی نظیری برخوردار شد و در این میان اصول جهان بینی اسلامی تأثیرات غیرقابل کتمان در هویت و شکل دهی به آن از خود برجای گذاشت (سیفیان و دیگران، ۱۳۸۶). در فرهنگ ایرانی، خانه، محلی برای تجلی بخشیدن به ارزش های سنتی دینی و حفظ خانواده است. از این رو، مفاهیم خانه و خانواده آهنگ زبان شناسانه مشترک و معانی نزدیک به هم دارند (فاضلی، ۱۳۸۷). در معماری سنتی ایران، خانه در بافت های شهری پیوسته، متراکم و درونگرا، فضای خصوصی برای زندگی خانوادگی بود که معمولاً اصل محرمیت در طراحی و احداث آن رعایت می شد تا افراد خانواده از دید اشخاص نامحرم (غیر خودی) محفوظ باشند. بر اساس همین دوگانگی (خودی و غیر خودی) فضای معماری ساخته شده نیز از دو بخش اندرونی (فضای خودی) و بیرونی (فضای غیر خودی) تشکیل شده بود (بانی مسعود، ۱۳۸۰، ۹).

فضاهای به وجود آمده خانه های سنتی بر طبق یک الگوی کاملاً ایرانی در سطح افقی و عمودی نظم گرفته و بر اساس یک سلسله مراتب دسترسی از یک حوزه عمومی به یک حوزه خصوصی شکل می گیرند. سر در ورودی، هشتی، دالان و حیاط، ردیف سلسله مراتب فضایی است که دسترسی را به اندرون خانه ممکن می سازد. فضای ورودی خانه ها طوری طراحی می شد که افراد به صورت ناگهانی و یک مرتبه وارد فضای خانه نشوند و از فضای ورودی، به فضاهای داخل خانه دید مستقیم وجود نداشته باشد. بنابراین یکی از اهداف مهم در طراحی فضای ورودی خانه ها نه تسهیل حرکت، بلکه کنترل آن و طولانی نمودن مسیر حرکت از بیرون به درون بوده است (همان، ۱۳۸۰، ۱۰). سکوه های کناری سردر "پاخوره" گونه دیگری از این فضاهاست؛ که پیرنیا، آن را جهت استفاده کسانی می داند که با صاحب خانه کار داشته ولی لازم نبود وارد خانه شوند و یا فضای هشتی و راهروهای پیچ در پیچ منتهی به حیاط های درونی و بیرونی که مانع دید افراد غریبه به داخل حریم مقدس خانواده می شده است.

۱-۱-۱- ویژگی های معماری خانه سنتی ایران:

۱-۱-۱-۱- طبیعت:

همدلی و احترام به طبیعت ریشه‌های عمیق فرهنگی در فرهنگ ایرانی دارد و هم زیستی انسان، معماری و طبیعت در معماری سنتی ایران کاملاً مشهود است. احترام به طبیعت، هماهنگی با طبیعت و استفاده بهینه از آن در استفاده از مصالح بوم آورد برای ساخت ابنیه تأثیر گذاشته است (شایان و دیگران، ۱۳۸۶).



شکل ۱۰- روشهای بهره گیری از طبیعت در خانه سنتی ایرانی، منبع: نگارندگان

۱-۱-۲- انعطاف پذیری:

در معماری سنتی ایران، همه چیز در حال تغییر و تحول است و برای فضا نمی‌توان حد و مرزی تصور کرد. عدم قطعیت فضایی و حرکت فضایی در فضای دیگر از ویژگی‌های این معماری است. در معماری و طراحی منظور از واژه انعطاف پذیر قابلیت تغییر در فضای ساخته شده و امکان تغییر آن برای دست یافتن به شرایط، نیازها و استفاده‌های جدید است. انعطاف‌پذیری در معماری ایرانی را می‌توان در سه گونه تنوع‌پذیری، تطبیق‌پذیری و تغییر پذیری بیان نمود. تنوع‌پذیری و مفهوم فضای چند عملکردی از ویژگی‌های درونی خانه‌های سنتی است. در خانه سنتی ایران تنوع‌پذیری با تبعیت نقشه خانه از یک الگوی عام و مبتنی بر نظام مهندسی پیمون امکان پذیر می‌شود. تطبیق‌پذیری و قابلیت جابجایی در بخش‌ها و فضاهای خانه به عامل زمان و تغییر روز و شب و فصلهای سال بستگی واضح‌تری دارد. قابلیت تغییرپذیری، امکان تغییر و تفکیک بخش‌های خانه را حتی برای عملکردهای دیگر به خوبی ایجاد می‌کند (شایان و دیگران، ۱۳۸۶).

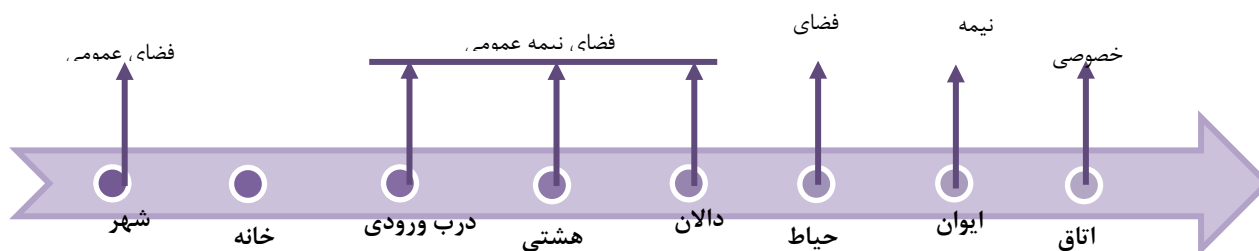
جدول ۵- روشهای بهره گیری از طبیعت در خانه سنتی ایرانی، منبع: نگارندگان

فضاها قابل استفاده	مفهوم	
حیاط + اتاق‌ها + راهروهای ارتباطی + ایوان	امکان تنوع عملکردها و با ایجاد فضای چند عملکردی با تبعیت نقشه خانه از یک الگوی عام و مبتنی بر نظام مهندسی پیمون	تنوع پذیری
ساخت حوض	تطبیق‌پذیری و قابلیت جابجایی در بخش‌ها و فضاهای خانه و وابسته به زمان و فصول	تطبیق پذیری
کاشت گیاهان مناسب		
از عناصر نیمه ثابت نظیر تخت		

انعطاف پذیری	تغییر پذیری	امکان تغییر و تفکیک بخش‌های خانه برای عملکردهای دیگر	حیات + اتاق ها
--------------	-------------	--	----------------

۱۱-۱-۳-سلسله مراتب:

یکی از اصول معماری ایران، وجود نظام ترتیب و توالی در جایگیری فضاها و عملکردها و وقوع فعالیت‌ها، دیده‌ها و حرکت هاست. وجود سلسله مراتب در معماری، به نحو بارزی در ارتباط با مفهوم محرمیت در فرهنگ ایرانیان می‌باشد. محرمیت در این معماری، فضاهایی با روحیه و کارکردهای گوناگون می‌آفریند و آنها را به بخش‌های عمومی، نیمه‌عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی تقسیم می‌کند. پس از گذشتن از سلسله مراتب شهر و رسیدن به خانه ورود به آن نیز دارای سلسله مراتبی است که در دیاگرام؟؟؟؟؟؟ به نمایش در آمده است. در خانه ایرانی نیز شخص گذر از کل به جزء را در ارتباط با فضا و زمان در می‌یابد(شایان و دیگران، ۱۳۸۶).



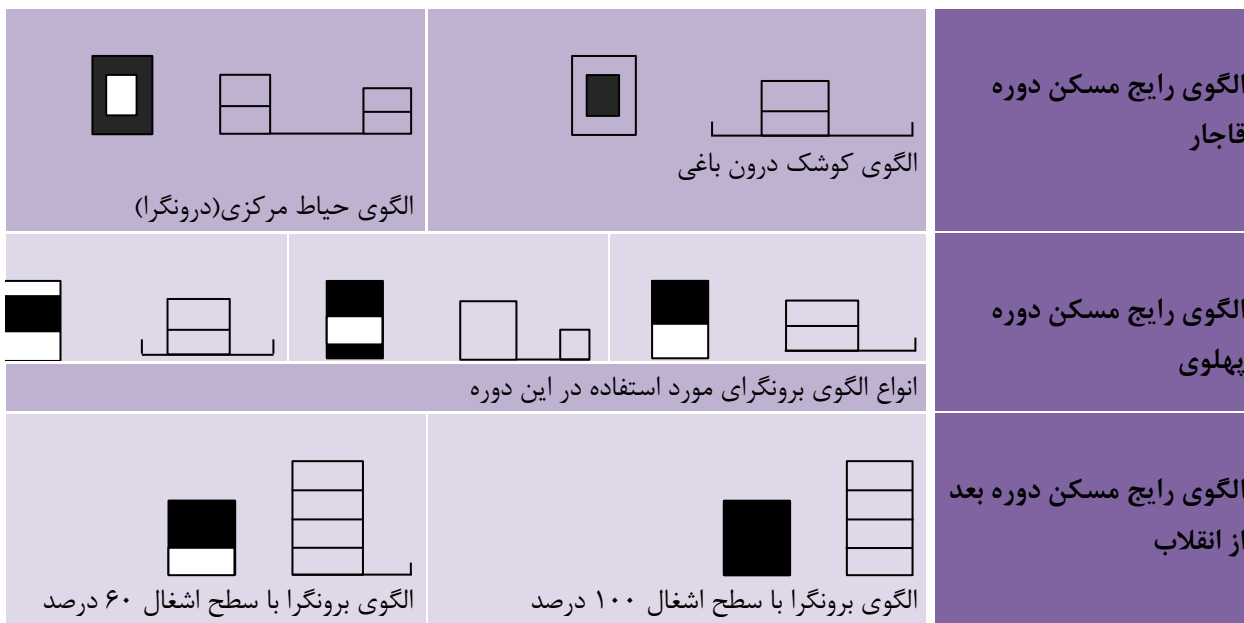
شکل ۱۱- سلسله مراتب ورود به خانه سنتی ایرانی، منبع: نگارندگان

۱۱-۲-سیر تحول خانه سنتی به مسکن امروزی:

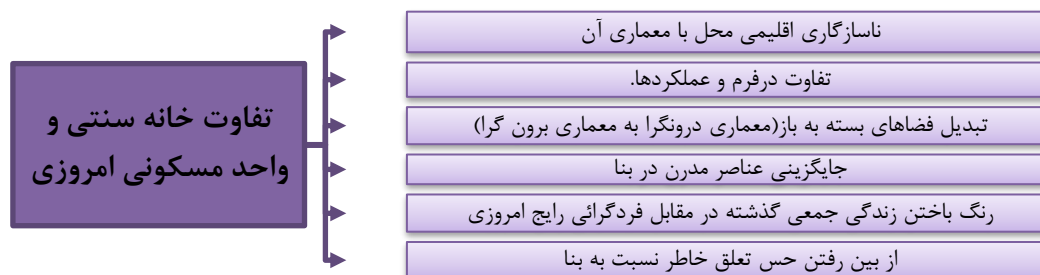
خانه که با مفاهیمی چون امنیت، محصوریت، انس والفت، تعلق خاطر و از این قبیل رابطه دارد، متنی عجیب و چندبعدی است. به گونه‌ای که می‌توان در آن حضور انسان، روابط اجتماعی، آئین‌ها، فرهنگ و آداب و رسوم را دید و خواند(فاضلی، ۱۳۸۷). خانه‌های آغازین دوره قاجار که از الگوی کهن خانه‌های ایرانی پیروی می‌کنند، دارای اندرونی و بیرونی‌اند. هرچه به سوی پهلوی اول نزدیک می‌شویم این الگو کم‌رنگ‌تر می‌شود؛ تا آن‌جا که در دوره پهلوی اول کاملاً از بین می‌رود و خانه‌ها جلوه‌ای بیرون‌گرا به خود می‌گیرند و این روند با سرعت شتاب زده‌ای هم‌چنان ادامه دارد. با عوض شدن شیوه زندگی در نیم قرن گذشته، مفهوم و مصداق خانه و سکونت جای خود را به واحد مسکونی و اسکان داده است(شربتیان، ۱۳۸۷).

جدول ۶- الگوی رایج مسکن دوره قاجار، پهلوی و بعد از انقلاب، منبع: رحمانی و دیگران، ۱۳۹۰

الگوی رایج مسکن دوره قاجار، پهلوی و بعد از انقلاب



فرآیند شهرنشینی مدرن، الگوی اجتماعی متفاوتی از مسکن و خانه‌سازی پیش روی انسان مدرن نهاد. اما تحولات مدرنیته و تأثیرات آن بر الگوی سکونت آدمی تنها محدود به بعد کمی افزایش جمعیت و در نتیجه افزایش خانه‌ها و سکونتگاه‌های آدمی نبود، بلکه مهم تر از آن مدرنیته و فرآیندهای کیفیت خانه و مسکن انسان مدرن و معاصر را شدیداً متأثر ساخت. شکل مسکنی که از دیر باز مردم ترجیح داده‌اند، خانه تک خانواری است. در قرن نوزدهم این شکل به طور غالب، مسکن یک طبقه حیاط دار بود. با تداوم فشار بر فضای شهری در اثر افزایش جمعیت و ورود انواع مسکن غربی از جمله خانه‌های دو طبقه تراس دار و آپارتمان‌های چند طبقه، به پیدایش ریخت شناسی جدیدی از مسکن منجر شده است. واحدهای مسکونی عموماً کوچکترند و فرهنگ آپارتمان نشینی گسترش یافته است. در مجموع این تغییرات منجر به تفاوت‌های اساسی میان خانه سنتی و واحد مسکونی امروز گشته است. در این جا به اختصار به تفاوت‌های بارز آن اشاره می‌کنیم.



شکل ۱۲- تفاوت خانه سنتی و واحد مسکونی امروزی، منبع: فاضلی، ۱۳۸۷

- ناسازگاری اقلیمی محل با معماری: امروزه به جای استفاده از مصالح سازگار با محل، مصالحی به کار برده می شود که از سویی منجر به اتلاف انرژی شده و از سوی دیگر هیچ گونه سختی با محیط نداشته است.
- تفاوت در فرم و عملکرد: در گذشته اغلب خانه ها نقشی چند گانه داشتند. با توجه به این که محل سکونت خانواده محسوب می گردید در عین حال محل کسب درآمد، نگهداری دام و غیره بوده است؛ اما امروزه صرفاً نقشی سکونتی دارد.
- تبدیل فضاهای بسته به باز (معماری درونگرا به برون گرا): در اثر تغییر الگوی درونگرایی به برونگرایی، سیمای شهرها شکلی جدید به خود گرفت. استفاده از پنجره های رو به حیاط که در معماری سنتی رواج داشت به تدریج منسوخ شد و خانه ها با دیوار کوتاه و با پنجره های رو به خیابان شکلی باز از معماری را در شهر ارائه دادند.
- رنگ باختن زندگی جمعی گذشته در مقابل فرد گرایی رایج امروزی: تبدیل خانوارهای گسترده به هسته ای منجر به رواج فرهنگ فرد گرایی شد به طوری که در گذشته به دلیل گستردگی بعد خانوار زندگی جمعی رواج بیشتری یافته بود و با تبدیل آن به خانوارهای هسته ای این الگوی زیست و معیشت تغییر یافته نهایتاً منجر به دگرگونی و پیدایش الگوی فرد گرایی به جای جمع گرایی گذشته شد.
- از بین رفتن حس تعلق خاطر نسبت به بنا: در مجموع موارد مطروحه منجر به از میان رفتن و کم رنگ شدن صمیمیت و دل بستگی نسبت به بنا شده و بی هویتی آن را رقم می زند (فاضلی، ۱۳۸۷).

۱۲. تحلیل مفهومی و چارچوب پیشنهادی

با توجه به تحلیل مفاهیم خانه، سکونت و مسکن و بررسی مؤلفه های هویت بخش خانه سنتی ایرانی در تقابل با چالش های مسکن معاصر، در این بخش به تحلیل مفهومی و ارائه یک چارچوب پیشنهادی برای بازتفسیر این اصول در طراحی مسکن معاصر می پردازیم.

۱۲-۱- جوهره مفاهیم خانه و سکونت در اندیشه شرق و غرب

تحلیل ادبیات نشان می دهد که در اندیشه شرقی، خانه و سکونت دارای ابعاد عمیق معنوی، اجتماعی و هویتی است. مفاهیمی چون "محرمیت"، "آرامش"، "صداقت"، و "دل بستگی" (فارابی، مولوی) در کانون این اندیشه قرار دارند. در مقابل، اگرچه متفکران غربی نظیر هایدگر و راپاپورت نیز به ابعاد عمیق سکونت توجه دارند، اما در عمل و در فرآیند شهرسازی و معماری مدرن غرب، غالباً نگاه عملکردگرا، فردگرا و مادی بر مفاهیم خانه و مسکن سایه افکنده است. این تفاوت نگاه، در ایران معاصر، به دلیل تقلید از الگوهای غربی، منجر به گسست از جوهره خانه سنتی و بروز بحران هویت در مسکن شده است.

۱۲-۲- مؤلفه های هویت بخش خانه سنتی و ضرورت بازتفسیر

مؤلفه های هویت بخش خانه سنتی ایرانی - احترام به طبیعت، انعطاف پذیری و سلسله مراتب - در واقع تجلی بخش همان ابعاد معنوی، اجتماعی و هویتی هستند که در اندیشه شرقی به آن اشاره شد. این مؤلفه ها نه تنها نیازهای فیزیکی، بلکه

نیازهای روانشناختی و اجتماعی ساکنان را نیز برآورده می‌کردند. در مسکن معاصر، صرفاً تکرار فرم‌های گذشته راهگشا نیست، بلکه باید "جوهره" و "معنای" این مؤلفه‌ها را با توجه به شرایط، تکنولوژی و نیازهای امروز بازتفسیر کرد.

۱۲-۳- چارچوب مفهومی پیشنهادی برای بازتفسیر اصول معنوی و هویتی در طراحی مسکن معاصر

بر اساس تحلیل‌های انجام شده، چارچوبی مفهومی برای راهنمایی طراحان در جهت پیوند هویت سنتی با معماری معاصر ارائه می‌شود. این چارچوب بر این ایده استوار است که می‌توان "معنا" و "کارکرد" مؤلفه‌های سنتی را با "راهبردهای طراحی نوین" ادغام کرد تا مسکنی با هویت فرهنگی و پایداری اجتماعی خلق شود. این چارچوب شامل چهار مؤلفه اصلی است که هر یک دارای تفسیر مفهومی معاصر و راهبردهای طراحی مرتبط می‌باشند (جدول ۳).

جدول ۷: چارچوب مفهومی پیشنهادی برای بازتفسیر اصول معنوی و هویتی در طراحی مسکن معاصر

مؤلفه هویت بخش خانه سنتی	تفسیر مفهومی در بافت معاصر	راهبردهای طراحی پیشنهادی
محرمیت	حفظ حریم شخصی و خانواده، ایجاد فیلترهای بصری و صوتی متناسب با بافت شهری، ایجاد فضاهای نیمه‌خصوصی برای تعامل گزینشی با همسایگان، تقویت حس امنیت و خلوت در فضای داخلی و خارجی واحد مسکونی.	-طراحی ورودی‌های چندگانه با هشتی مدرن (لابی‌های با کیفیت، قابل کنترل و دارای سلسله مراتب فضایی) -استفاده از عناصر فیلترکننده بصری و صوتی (شیشه‌های مات، کرکره‌های قابل تنظیم، پنل‌های متحرک، فضاهای سبز عمودی، نورگیرهای هوشمند) -تفکیک هوشمند فضاهای عمومی و خصوصی داخل واحد و مجموعه (زون‌بندی کاربردی و بصری).
انعطاف پذیری	پاسخگویی به نیازهای متغیر خانواده‌ها در طول زمان (تغییر جمعیت، کاربری‌ها)، امکان تغییر چیدمان و کاربری فضاها در طول روز و فصول مختلف، ایجاد فضاهای چند عملکردی که بتوانند نیازهای متنوع ساکنان را پوشش دهند.	-طراحی فضاهای مدولار با قابلیت تغییر کاربری (پنل‌های متحرک، دیوارهای کاذب، مبلمان توکار و چندکاره) -پیش‌بینی فضاهایی برای کار از خانه، سرگرمی، یا مطالعه که قابلیت اتصال یا جداسازی داشته باشند. -طراحی فضاهای فصلی (بالکن‌های قابل تبدیل به اتاق، تراس‌های چهارفصل، گلخانه‌های کوچک).
ارتباط با طبیعت	ایجاد حس سرزندگی، بهبود کیفیت هوا و نور طبیعی، فراهم آوردن پایداری محیطی (کاهش مصرف انرژی)، امکان ارتباط بصری و فیزیکی با عناصر طبیعی در فضای محدود آپارتمان، تقویت سلامت روانی ساکنان.	-طراحی حیاطچه‌های داخلی یا پاسیوهای کوچک در واحدهای مسکونی یا مجموعه‌ها -استفاده گسترده از بام‌های سبز و دیوارهای سبز در نمای ساختمان‌ها

<p>-حداکثر استفاده از نور طبیعی و تهویه متقاطع در طراحی واحدها -تعبیه فضایی برای کاشت گیاهان در بالکن ها و تراس ها .</p>	
<p>-طراحی لابی های ورودی با کیفیت، دعوت کننده و دارای مقیاس انسانی -استفاده از راهروها و فضاهای ارتباطی دارای تنوع بصری و فضایی (نورپردازی، متریال، مکث) -ایجاد فضاهای مکث و نیمه عمومی در طبقات یا مجتمع ها (لابی طبقات، فضاهای نشیمن کوچک) که تعامل اجتماعی را کنترل شده ترویج کند .</p>	<p>سلسله مراتب ایجاد حس گذار آرام از فضای کاملاً عمومی شهر به فضای کاملاً خصوصی خانه، تبیین قلمرو و مرزبندی فضاها، ایجاد حس دعوت کنندگی و کرامت در ورودی ها، تجربه فضایی غنی در مسیر حرکت به داخل واحد مسکونی .</p>

۱۳. نتیجه گیری

این پژوهش با تحلیل تطبیقی مفاهیم خانه و سکونت از دیدگاه های مختلف و بررسی جامع مؤلفه های هویت بخش خانه سنتی ایرانی (احترام به طبیعت، انعطاف پذیری و سلسله مراتب)، در پی تدوین یک چارچوب مفهومی برای بازتفسیر اصول معنوی و هویتی در طراحی مسکن معاصر ایران بود. این چارچوب نشان می دهد که چگونه می توان با درک عمیق از جوهره و معنای این مؤلفه ها، و با استفاده خلاقانه از تکنولوژی های نوین و مصالح موجود، راهبردهای طراحی کاربردی را برای مسکن معاصر ارائه داد.

خروجی اصلی این مطالعه، چارچوب مفهومی ارائه شده در جدول ۷ است که به عنوان یک ابزار نظری، می تواند الهام بخش معماران و شهرسازان برای طراحی مسکنی باشد که ضمن پاسخگویی به نیازهای عملکردی و زیبایی شناختی مدرن، به تقویت حس تعلق، حفظ هویت فرهنگی و ارتقاء پایداری اجتماعی در محیط های مسکونی ایران کمک کند. این رویکرد، به جای تقلید صرف از گذشته یا الگوهای بیگانه، بر بازآفرینی معنادار ارزش های بومی تأکید دارد و راهکاری برای مقابله با چالش هویت زدایی در مسکن معاصر ایران ارائه می دهد.

پیشنهادات برای پژوهش های آینده:

- اعتبارسنجی چارچوب مفهومی پیشنهادی از طریق مطالعات موردی عملی و پیاده سازی آن در پروژه های طراحی واقعی و ارزیابی تأثیرات آن بر رضایتمندی ساکنان.
- بررسی میزان پذیرش و کارایی راهبردهای طراحی پیشنهادی در مناطق اقلیمی و فرهنگی مختلف ایران.
- توسعه شاخص های کمی برای ارزیابی حضور و کیفیت مؤلفه های هویتی در مسکن معاصر بر اساس چارچوب ارائه شده.

پی نوشت

- ⁱ. House
- ⁱⁱ. Home
- ⁱⁱⁱ. Martin Hidger
- ^{iv}. Rapoport
- ^v. Shultz

منابع:

- اعطاء، علی و دیگران، ۱۳۸۶، نشست‌های درباره طراحی خانه در ایران، فصلنامه آبادی، سال هفدهم شماره ۲۰ (پیاپی ۵۵)، ص ۱۲۹-۱۲۴
- بانی مسعود، امیر، ۱۳۸۰، تاملی بر تداوم دوگانگی (اندرون - بیرون) فضا در معماری مسکونی مدرن ایران، فصلنامه معماری و فرهنگ، شماره ۸
- براتی، ناصر، ۱۳۸۲، بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، فصلنامه خیال، شماره ۸.
- پرچی عراقی، مسعود، ۱۳۸۱، به سوی انسان شناسی خانه، فصلنامه آبادی، شماره ۳۷
- پوردیهیمی، شهرام، ۱۳۹۰، فرهنگ و مسکن، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴.
- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۷، معماری ایرانی، تدوین: غلامحسین معماریان، انتشارات سروش دانش.
- تبریزی، آیدین، ۱۳۸۸، تعریف و مفهوم مسکن، روزنامه رسالت، سال بیست و پنجم، شماره ۶۹۳۹.
- تفکر، ثریا، ۱۳۷۷، خانه ماشینی است که در آن زندگی می کنیم، روزنامه آفرینش، ۱۳ آبان.
- راپاپورت، آموس، ۱۳۸۸، انسان شناسی مسکن، مترجم: خسرو افضلیان، انتشارات حرفه هنرمند، تهران.
- رازی، ابو الفتوح، ۱۳۲۵، تفسیر، لقیم و حواشی مهدی الهی قمشه ای، انتشارات علمی، تهران ج ۱، ص ۳۱۱.
- راس، کلی ال-وینترز و دیگران، ۱۳۷۹، معماری معنا و دلالت در مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا، مترجم: آرش ارباب جلفایی، نشر خاک، اصفهان.
- سالمی، نورالدین، ۱۳۷۴، فرانک لوید رایت معمار شاعر: خانه پیش از آن که مسکن باشد، یک کار هنری است، مجله گردون، سال ششم، شماره ۵۱.
- ستارزاده، داوود، ۱۳۸۸، بررسی شاخص های جمعیتی مسکن ایران در سال ۱۳۸۵، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۷/۶۸.

- سیفیان، محمد کاظم و دیگران، ۱۳۸۶، محرمیت در معماری سنتی ایران، دو فصلنامه هویت شهر، شماره ۱
- شایان، حمید رضا و دیگران، ۱۳۸۶، بررسی تطبیقی مفاهیم فرهنگی معماری ایرانی و ژاپنی، فصلنامه آبادی، شماره ۵۵.
- شربتیان، محمد حسن، ۱۳۸۷، تأملی بر مطالعه فرهنگی و اجتماعی خانه، فصلنامه انسان شناسی و فرهنگ، صفحات ۱۱-۱.
- شوای، فرانسواز، ۱۳۷۵، شهرسازی تخیلات و واقعیات، مترجم: سید محسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۶، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، جلد ۱۵ و ۱۶
- طهماسبی گنجور، علی، ۱۳۸۴، کندوکاوی در مسئله حجاب، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۵۹ و ۶۰.
- عمرانی پور، علی، ۱۳۸۴، هنر و معماری اسلامی ایران، یادنامه استاد دکتر لطیف ابوالقاسمی، انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری، تهران.
- فارابی، ابونصر، ۱۳۸۲، اشاره‌ها همه از فصول منتزعه، ترجمه: دکتر حسن ملکشاهی، انتشارات سروش
- فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۸۷، مدرنیته و مسکن (رویکرد مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره اول، شماره ۱، صفحات ۳-۲.
- معماریان، غلامحسین، ۱۳۸۶، سیری در مبانی نظری معماری، سروش دانش، تهران، چاپ دوم، صفحات ۳۳۹، ۳۸۵، ۳۹۳-۳۹۵
- نراقی، آرش، ۱۳۸۳، مولوی و تجربه وجودی غربت، از سلسله سخنرانی‌های در دانشگاه UCLA درباره زندگی و اندیشه‌های مولانا جلال الدین محمد بلخی.
- نوربرگ- شولتز، کریستیان، ۱۳۸۱، مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی، مترجم: محمود امیر یار احمدی، نشر آگه، تهران.
- Chaney, David, 1996, *Lifestyles: Key Ideas*, Routledge, London.
- Lawrence, R.J., 1995, *Deciphering home: an integrative historical perspective*, In: Benjamin and Stea.
- Rapoport, Amos, 1969, *A. House Form and Culture*, Englewood Cliffs, CA: Prentice Hall.
- Saunders, Peter, 1990; *A Nation of Home Owners*, London: Unwin Hyman.
- Thorns, C, et al., 2000, *Exploring the Meaning of Home: Build*.
- Zukin, Sharon, 1995, *Cultures of Cities*, Cambridge, Mass.; Oxford: Blackwell